

گزیده:

گزارشها

بین الملل

(شماره ۲)

G77

INTERNATIONAL

از: شرکت پژوهشی پیام پیروز

صندوق پستی: ۱۱۷-۱۳۴۶۵

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

- استوار تا پایان ۳
گرانما - ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۳۹، ترجمه: سپیده
- دستگیری مزدوری که در میادین توریستی بمبگذاری می کرد ۴
گرانما - ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۳۹، ترجمه: سپیده
- ستم مضاعف ۴
گرانما - ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۴۰، ترجمه: سپیده
- سالگرد خونین ۵
گرانما - ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۴۰، ترجمه: سپیده
- انتخابات در کوبا ۶
گرانما - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۴۱، ترجمه: پگاه
- حزبی مردمی، مردم مدار و برای مردم ۸
گرانما - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۷، سال ۳۲ - شماره ۴۱، ترجمه: پگاه

هزینه تمام شده
۲۵۰۰ ریال

استوار تا پایان

گزارنا - ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۷
سال ۳۲ - شماره ۳۹
ترجمه: سپیده

پرماجرایی خویش صحبتی با ماتیلدا همسرش نکرد و او نیز چیزی در این مورد نپرسید همسرش از توانایی های او مطمئن بود و می دانست قرار است کارهای مهمی صورت پذیرد. انیتی بخاطر آزادی می جنگید و هنگامی که فوئر چریک ها را در ناکاهازو و در ۳۱ دسامبر ملاقات کرد و آنان را تشویق به کنار گذاشتن جنگ کرد، انیتی برادرش و ۵ نفر از همزمان او نظر وی را خیانت آمیز دانستند و صلح را نپذیرفتند. بعد از جنگ در کوبا، غم بزرگی بر انیتی مستولی گشت زیرا فقدان همزمی چون چه گوارا، او را یارای مقاومت نبود، و همین امر نقش زیادی در هدایت این گروه در این قیام بر عهده داشت. و بعد از سفر مخفی به کوچاباما سپس لاپاز همراه با چریک کوبایی (لناردو تامایلو) او با نوسازی شبکه محلی و به راه اندازی ارتش آزادی بخش برای جنگ چریکی با پومبو به توافق رسید.

انیتی در ماه می ۱۹۶۹ به بولیوی بازگشت و این موضوع بعد از دو ماه حادثه ای روی داد که موجب شوک در افکار عمومی گشت حرکت وحشیانه ای که حکومت در ۴ سپتامبر برای سرکوبی براه انداخته بود موجب انتشار اعلامیه جدید برای برپایی حرکت توده ای دیگری شد.

در این حرکت های سرکوبگر که انیتی دستگیر شد. او در حالیکه به صورت مخفیانه به لاپاز می رفت در ۹ سپتامبر توسط یک خبرچین لو رفت و خانه وی توسط پلیس محاصره شد. برای حدود یک ساعت انیتی مقاومت کرد، تا اینکه پایش و یک دست وی توسط نارنجکی که به طرف پنجره پرتاب شده بود زخمی شد. و تنها در این زمان بود که پلیس توانست او را دستگیر کند.

در زندان، انیتی به صورت وحشیانه ای مورد شکنجه قرار گرفت. می گویند که تاکنون تا نیل با اسلحه چندین بار به سر او زده بود و بعد از دو ساعت او هنوز زنده بود بدون آنکه نام هیچ کس را افشا نماید. و در همان حال آنان توسط دکتر زندان تصمیم گرفتند آپرل کشته های را به وی تزریق کنند.

در ۱۰ بعد از ظهر همان روز حکومت بدن این چریک قهرمان را در معرض نمایش قرار داد. بدنی که علائم و نشانه های زیادی از فشار و شکنجه بر روی آن دیده می شد. مرگ او ضربه مهلکی به پیکر انقلابیون بولیوی بود. اما زندگی قهرمانانه او بر تارک کوه ها، جنگ ها نقش بسته است. قهرمانی که با شجاعت زندگی کرد و تا پایان استوار زیست.

۹ سپتامبر ۱۹۶۹ خبری بولیوی را لرزاند، انیتی پرورد درگذشت، او بعد از یک ساعت مقاومت در محاصره ۱۵۰ پلیس که به محل مسکونی وی یورش آورده بودند (در خیابان ۵۸۴ سانتاکروز در لاپاز) کشته شد.

انیتی پرورد در ۱۹ جولای همان سال با عملیاتی که در لاهینگورا (مکانی که چه گوارا کشته شد) به راه انداخت می خواست راه و اندیشه "چه" را زنده کند و جنگ را تا پای جان و کسب پیروزی نهایی ادامه داد، انیتی بیانیهای را بدین مضمون منتشر ساخت که: ما به کوهستان باز خواهیم گشت و ارتش ما تا پایان مقاومت خواهد کرد.

او در ۳۰ آوریل ۱۹۳۷، در کوچاباما به دنیا آمد و تحت تعلیمات پدرش که یک پروفیسور و استاد عالی رتبه کاتولیک روزنامه ال امپاریکال بود قرار گرفت. از همان اوان کودکی انیتی علاقه فراوانی به مسایل اجتماعی داشت و با گروه های فعال و جوان کار می کرد و حتی خود پایگذار حزب کمونیست ال نبی بود.

او در پیست های متنوعی در جامعه جوانان کمونیست فعالیت داشت و در پایه ریزی حزب لاپاز نقش زیادی بر عهده داشت، در آن زمان او دبیر اول کمیته محلی و یکی از اعضای کمیته مرکزی بود و تا زمانی در این سمت ماند که حزب مورد خیانت یکی از سران حزب یعنی ماریو فوئر قرار گرفت.

در سال ۱۹۶۳ انیتی و برادرش کوکو، رودلف سالدانا، و جورج وازکو وینا (ال لورا) در مرکزیت ارتش چریکی خلق به رهبری جورج ریکاردو ماستی که یک روزنامه نگار بود در ایالت سالتا در شمال آرژانتین و نیز با سایر انقلابیون فعالیت داشت.

در مارس ۱۹۶۶، ریکاردو یک چریک کوبایی بود (حوزه ماریو و مارتینز تامایو) برای شروع عملیات چریکی با انیتی ارتباط برقرار کردند، در ماه می همان سال یک گزارش به کنگره محلی حزب ارسال نمودند، و بر روی جنگ های منظم به بحث و گفتگو نشستند در این جلسات به این نحو تصمیم گیری گردید که او برای آموزش نظامی با ۲۰ نفر از داوطلبان بولیوی به خارج سفر کنند.

به نوشته پدرش در کتابش (رویاهای ناکوهوزا) انیتی در ۲۵ جولای کشور را به قصد کوبا با ۹ نفر از اعضای حزب ترک کرد و در اکتبر به او دستور رسید که به بولیوی باز گردد و او علیرغم میل باطنی خویش و بنا به دبیر اول حزب به کشور بازگشت. او در ۱۲ نوامبر به کوچاباما رسید، او در مورد سفر

دستگیری مزدوری که در میادین توریستی بمب گذاری می کرد

گرنما - ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۷
سال ۳۲ - شماره ۳۹
ترجمه: سپیده

می کند.

تحقیقات در این مورد نشان می دهد که این گونه عملیات در میامی آمریکا طرح ریزی و توسط ضدانقلابیون کوبا هدایت و سازماندهی شده و برای تحقق بخشیدن به این اهداف سرمایه فراوانی جهت بکارگیری تروریست های حرفه ای و آموزش دیده در نظر گرفته شده است و برای بمب گذاری در اماکن توریستی تمام وسایل تجهیزات لازم این کار را در اختیار اینگونه افراد قرار می دهند.

شایان ذکر است که اواسط آوریل ۱۹۹۴ و سپتامبر ۱۹۹۷، ۳۰ طرح تروریستی را علیه کشور افشا کرده اند، در بین آنان ۱۵ طرح از مواد منفجره ۴ - C استفاده شده بود که توسط گروه های ضدانقلابیون بی نظیر آلفا ۶۶، اتحاد دمکراتیک کوبائیان مقیم آمریکا (پاند) و گروهی به سرکردگی لاندوبوش (که مسؤول بمب گذاری خطوط هواپیمایی در ۱۹۷۶ می باشد) رهبری می گردد. اکثر این طرح ها خوشبختانه عقیم مانده است، و بیشتر این عملیات لو رفته و سلاح ها به همراه دیگر مواد منفجره توقیف شده و افراد زیادی در این رابطه دستگیر شدند. که همه این افراد بدون استثنا همگی از ایالت متحده به کوبا آمده بودند. یکی از این موارد که افشا شد، در مارس ۱۹۹۵ یک تروریست به نام سانتوآمارنو مارتینز ریودو که کوبایی الاصل بود و جورج ارنیکو رامز اور، ساکن میامی که با پاسپورت های جعلی دستگیر شدند، که به هدف بمب گذاری در یک هتل با مواد منفجره از کستاریکا به کوبا سفر کرده بودند.

ستم مضاعف

گرنما - ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷
سال ۳۲ - شماره ۴۰
ترجمه: سپیده

زمانی که ما صحبت از تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی زنان به میان می آوریم، زنان روستایی آمریکای لاتین جایگاه ویژه ای در این میان دارند. ظلمی که در این دو دهه اخیر تشدید شده است.

با توجه به آمارهای سازمان جهانی غله (FAO) ۶۰ میلیون

در ۴ سپتامبر، بین ساعت ۱۱:۱۲ و ۱۲:۳۱ دقیقه بعد از ظهر، بمب هایی در هتل های کوپاکابانا، تربتون و چاتو میرامار در هاوانا منفجر شد. که منجر به ایجاد خسارات و کشته شدن یک شهروند ایتالیایی به نام فابیودی سلمو گردید، بعد از این واقعه در ساعت ۱۱ بعد از ظهر بمب دیگری در رستوران بودوجتیا در هاوانا خساراتی را ببار آورد.

در تحقیقاتی که از سوی نیروهای امنیتی صورت گرفته نشان می دهد که عامل این بمب گذاری ها، فردی است به نام راولارنستو کروزلئون که به عنوان یک تروریست در ۳۱ اگوست از گواتمالا به کوبا وارد شده است.

در میان وسایل وی، کلاه و تی شرتی به چشم می خورد که شاهدان مدعی هستند که وی در هنگام بروز جرم به تن داشته است و آزمایشاتی که روی کلاه و دست ها و ناخن های مظنون به عمل آمده است، وجود مواد منفجره را روی آن ها ثابت می کند و نیز در بین وسایل اولیست مکان های توریستی کوبا و وسایل و تجهیزات لازم برای قرار دادن بمب بر چشم می خورد.

فرد بازداشت شده اعتراف کرده است که از مواد منفجره - C 4 که برای بمب گذاری مورد احتیاج است و نیز سایر وسایل مورد نیاز خود را به کشور آورده است. همچنین وی اعتراف کرده است که ۴ بمب را در یک روز، ۴ سپتامبر، را در مکان های مختلف قرار داده است. وی مسؤولیت بمب گذاری در هتل کاپری و ناسیونال را در ۱۲ جولای بعهده گرفته است.

تحقیقات از این فرد نشان می دهد که وی یک مزدور تعلیم دیده می باشد که برای بمب گذاری پول دریافت داشته و مبلغ ۴۵۰۰ دلار برای بمب گذاری دریافت می کرده است. او در السالوادور آموزش دیده در همان جا وی وسایل مورد نیاز، لیست مکان هایی که بایستی بمب گذاری می شده و بلیط هواپیما و مخارج این بمب گذاری ها را دریافت کرده است.

کروزلئون یکی از اعضای ارتش السالوادور می باشد و در یک مدرسه نظامی در ایالت جورجیا آموزش دیده و نیز یک دوره در مورد مواد منفجره گذرانده است.

بنا به اعتراف مجرم انگیزه وی مادی بوده. او خود را ماجراجویی برجسته می داند و در مورد ضرباتی که به کشور وارد می سازد تأییراتی مخرب عملکرد خود ابراز بی اطلاعی

زن ساکن در مناطق روستایی در آمریکای لاتین بسر می‌برند و یلما یک مقام رسمی زنان فائو در طرح توسعه، با توجه به شرایط نژادی، و با در نظر گرفتن نحوه زندگی و مسایل سیاسی زنان به ویژه لطافت جبران ناپذیری که به واسطه برنامه‌های تبدیلی بحرانهای اقتصادی در این منطقه به زنان تحمیل شده است اظهار داشت: «مطالعات انجام شده در آمریکای لاتین و کارائیب، روند رو به رشد فقر و کار طاقت فرسا در مزرعه را توسط زنان نشان می‌دهد. آرای یکی از اعضای جلسه همکاری فنی آژانس حمایت از زنان روستای است این جلسات هر دو سال یکبار برگزار می‌گردد، این گردهمایی سالانه برای اولین بار در هاوانا برگزار شد.

کار سنگین و توانفرسای زنان روستایی به دلیل افزایش تعداد خانواده‌هایی است که سرپرستی آنها توسط زنان صورت می‌گیرد (در ۱۹۷۰، ۷ درصد و در دهه ۹۰، ۲۶ درصد افزایش ساعت کار روزانه و کاهش سطح درآمد آنان فیزیکی از مشکلات آنان است مسئولیت زنان با مهاجرت کردن مردان به حومه‌های شهر برای جستجو و دستیابی به کار ثابت و حقوق بهتر افزایش می‌یابد، و زنان به جای مردان در مزارع بکار می‌پرداختند. در حال حاضر، زنان روستایی با کار سخت و مسئولیت‌های بیشماري مانند دوشیدن گاو نگهداری از مرغان خانگی و حفظ محصول و درو آن و فروش موادی که تولید می‌کنند به علاوه کار در خانه و بزرگ کردن کودکان دست به گریبانند.

آمارهای صندوق توسعه سازمان ملل نشان می‌دهد که بالاترین درصد فقر تنگدستی در مناطق روستایی به چشم می‌خورد و گواتمالا بالاترین درصد آمار را به خود اختصاص می‌دهد، ۷۵ درصد فقر و ۵۳ درصد آوارگی در مناطق روستایی کشور به چشم می‌خورد. آمارهای جهانی حاکی از این است که در آمریکای مرکزی و جنوبی به غیر از مکزیک و پرو، اکثر خانواده‌ها توسط زنان اداره می‌شوند و بیشتر آنها نیز فقیر و تهیدست هستند.

دسترسی زنان روستایی به امکانات بسیار محدود است، در بسیاری موارد زنان حتی مالک زمین مالک زمین نیستند و این موضوع مانع از داشتن اعتبار و ارزش کار آنان به حساب می‌آید. و این امر روشن و بدیهی است که تحمل تمایزات جنسی می‌تواند موجب محدودیت در رشد اعتمادی زنان به عنوان یک انسان در اکثر جوامع شود.

بر طبق فائو (FAO) در جامائیکا زنان صرفاً ۵ درصد از وام اعطایی بانک کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهند و حتی حق دریافت وام را مستقیماً ندارد، بایستی همسر و یا فردی از

بستگان آنان ضمانت‌شان را بنماید. زنانی که اعتبار بانکی دریافت می‌کنند و علیرغم تمام محدودیت‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، بسیار عالی از آن استفاده می‌کنند و در با پرداخت آن تعلل نمی‌ورزند.

شرکت زنان اقتصاد و نقش حیاتی آنها در خانواده می‌تواند بهترین دلیل برای تدوین سیاست‌های نوین، رشد و فراهم آوردن امکانات متعالی برای زنان لایق و کاردان شود و شبکه منطقه‌ای حمایت زنان روستایی برای اهدا این گونه کمک‌ها به کشورهای منطقه تأسیس شده است.

آرای اظهار می‌دارد: «ما برنامه آموزشی بسیاری برای رشد و اعتلای باغبانی به شیوه عملی، تغییر در دانه‌ها و اصلاح نژاد بذرها، استفاده از منابع مختلف، ماهیگیری و دیگر زمینه‌ها در دست داریم. و دیگر هدف ما بایستی تشویق و حمایت برای ایجاد سازمان‌ها و تشکلهای در جهت شرکت مردان و زنان در این تصمیم‌گیری باشد.

سالگرد خونین

گوانما - ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷
سال ۲۲ - شماره ۴۰
ترجمه: سپیده

سرویس جاسوسی ایالات متحده آمریکا، در حال برگزاری جشن برای نیم قرن تأسیس این آژانس می‌باشد. در این زمان که در ویرجینیا جشن و پایکوبی به این مناسبت برپا شده است، در دیگر نقاط دنیا، مردم برای روز تأسیس این سرویس جاسوسی که جز جنایت سیاسی و براندازی و انهدام نیروهای مترقی تاکنون فعالیت نداشته است به سوگ نشسته‌اند.

سازمان CIA در ۱۹۴۷ توسط هری ترومن تأسیس شد و این در زمانی بود که بمب‌های اتمی پیامد جنگ سرد را به همراه داشتند و مأموریت این سازمان نابودی اردوگاه سوسیالیسم به علاوه نابودی مردم و جنبش‌های انقلابی و آزادی بخش جهان بود. وظایفی که تا به حال به نحو احسن انجام داده است. کلیتون رییس جمهور آمریکا، در سخنان خویش که به مناسبت سالگرد تأسیس سازمان سیا ایراد کرد، بسیار وقیحانه موفقیت سیا را در وقایعی که موجب توازن قدرت در دنیا شده است را مورد تأکید و تأیید قرار داد و آشکارا مداخله سیا را در این حوادث پذیرفت. با این وجود، نابودی شوروی هم در ۱۹۹۱

محیط مساعدی را برای سیا بوجود نیاورد. از آن زمان ۵ دیکتاتور به سرکار آمدند، ولی هیچکدام از آنها بیش از ۲ سال بر قدرت نبودند، و در این دوران دو تن از نامزدهای کلیتون برای تصدی این لیست هیچگاه قادر نبودند که در این جایگاه و سمت قرار گیرند. به علاوه در این هنگام، کشف سران نفوذی و چند تن از امین ترین کارکنان که اطلاعات را به خاطر دلار مبادله می کردند، شگفت انگیز بود. سیا با ۱۷۰۰۰ کارمند و ۳ میلیارد دلار بودجه سالانه برای تعقیب دشمنان خود می پردازد و گاهی نیز با آژانس های مانند FBI و آژانس ضربت با مواد مخدر درگیری های بسیاری داشته است.

کلیتون، خود را شخص اول سیا می داند و از آژانس جاسوسی سیا بسیار قدردانی کرده است. رئیس جمهور آمریکا لیست بلند بالای سرویس های جاسوسی که در این ۵۰ سال فعالیت داشته را فراموش کرده است. سرویس هایی که در تهاجمات سیاسی و نیز پایمال کردن حقوق بشر همیشه نقش بسزایی داشته اند.

ما مردم کوبا بسیار خوب با طرح های تروریستی در حمله به رهبرانمان، سازش با مافیا، تهاجم به خلیج خوک ها، حمایت و سازماندهی و کمک های مالی به فعالیت های تروریستی در ارتباط با ضدانقلابیون در میامی، همدستی پنهان با عملیات و حملات علیه مردم (مانند حملات شیمیایی) آشنا هستیم. شما حتماً از نقش سازمان سیا در براندازی حکومت دمکراتیک حکومت آریز و همدستی و ارتباط اخیر سازمان سیا با افسران ارتش گواتمالا و حتی جرائمی که نسبت به مردم آمریکای لاتین مرتکب شده است، بسیار خوب آگاهید. باید کتابهای فراوانی در مورد نقش آمریکا و ظلم و ستم به مردم، براندازی جنبش های انقلابی در آمریکا لاتین و حمایت از دیکتاتورهای نظامی، آموزش شکنجه گران و جانپان مطالبی بنویسد، تاریخ شیلی سراسر پر از جنایت آمریکا است.

و این روش ها حتی علیه شهروندان آمریکایی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. برخی از آنانی که برای سیا کار می کردند چند روز پیش اسنادی را بر ملا کردند که نشان می داد مرگ فرانک اولسون (که مدیر تحقیقات محرمانه بود) یک خودکشی نبوده است دکتر جیمز استار که یک دانشمند علوم قضایی دانشگاه جورج واشنگتن بود، اعلام کرد که اولسون یک ببولوژیست نظامی و برای سیا کار می کرد و مشول تحقیقات محرمانه روی جنگ های میکروبی بود و تحت شرایط عجیبی در ۱۹۵۳ فوت کرد، وقتی او از طبقه ۳۰ هتل نیویورک به پایین پرت شد، ۲۴ سال بعد شواهدی در این رابطه بدست آمد که او خودکشی نکرده است زیرا او اطلاعاتی در مورد استفاده از بمب های

میکروبی داشته است. اولسون تنها قربانی جنایت سرویس جاسوسی نبود و نیست. هزاران تن از شهروندان آمریکایی به خاطر اعتراض به جنگ ویتنام مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، و بسیاری برای حمایت و یا نشان دادن اتحاد با دشمنان واشنگتن تحت تعقیب هستند. این سازمان سایه پنهان پشت همه جنگ ها، کودتاها، تجاوزات و شکنجه ها است. بکارگیری این روش ها از ۵۰ سال پیش است که امروز به جای گفتن سالگرد طلایی بایستی گفت که سیا در حال برگزاری سالگرد خونین این سازمان است.



انتخابات در کوبا

گرانما - ۵ اکتبر ۱۹۹۷
سال ۳۲ - شماره ۲۱
ترجمه: پگاه

توده ها در کوبا از حقوق برابر برای انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردارند.

حدود ۳۵۹۰۰ تجمع محله ای و منطقه ای ساکنان سراسر کشور از هم اکنون کاندیداهای مناسب ناحیه خود را پیشنهاد نموده اند. در نوزدهم اکتبر جمعیت کادر اداره کننده شهرها و نواحی خود را در رأی گیری مستقیم و مخفی خواهد نمود.

یکی از ویژگی های سیستم رأی گیری کوبا در تمامی سطوح (شهری، استانی و ملی) اینست که برخلاف روال عادی اکثر کشورهای جهان کاندیداها توسط احزاب معرفی نمی شوند. پیشنهاد کاندیداتوری امتیازی است که منحصرأ در اختیار وسیع ترین اقشار مردم است کوبایی هایی بیش از ۱۶ سال دارند. پیشنهاد آنها توسط خودشان و یا بوسیله سازمان و یا مؤسسه ای که دز آن عضو می باشند و بصورت کاملاً داوطلبانه ارائه می گردد. این روند نمونه بارزی از شرکت آزادانه مردم در یکی از بنیادی ترین اصول رعایت برابری حقوق است. عمل کرد حزب کمونیست تماماً در راستای اجرای اصول بنیادی است. یعنی رعایت این امر که مردم خود افراد را کاندیده نموده و خود بهترین ها را انتخاب نمایند.

این شیوه نه از جایی نمونه برداری شده و نه امری وارداتی است. برای تدوین این شیوه هزاران و هزاران تجمع در محیط های کاری، در مدارس در انجمن های محلی برقراری و پس از بحث ها و جدال های فراوان در پروسه ای که به یک رفراendum ملی شبیه بود تهیه گردیده است. بنابراین سیستم

حاضر به شیوای دموکراتیک توسط مردم انتخاب شده و تنها مردم هستند که می‌توانند آن را اصلاح نموده و یا بهبود بخشید. در کوبا برای مجالس و قدرت خلق و دو نوع انتخابات وجود دارد. انتخابات محدود که هر دو سال و نیم یکبار انجام و طی آن نمایندگان ۱۶۹ مجلس شهری که زیربنای قدرت حکومتی است انتخابات می‌شوند. دوره کار آنها دقیقاً مابین دو انتخابات محدود می‌باشد. انتخابات عمومی هر ۵ سال یکبار و طی آن اعضا ۱۴ مجلس ایالتی و نیز نمایندگان و مجلس ملی قدرت خلق که مشابه پارلمان است انتخاب می‌شوند.

امسال، حدود ۳۵۹۰۰ انجمن محله‌ای در محدوده انتخاباتی خود در گردهم‌آیی نمایندگانی را که واجد بهترین صفات یک نماینده می‌دانستند برای مطرح مجالس شهری پیشنهاد نموده‌اند. در این گردهم‌آیی‌ها هر آن کس که علاقه‌مند بود شرکت نمود. هیچ‌کس شهروندان را از شرکت در این مجامع و با انتخاب کاندیدای مورد نظر مانع گردید.

در ۱۹ اکتبر جمعیت از طریق رأی‌گیری مستقیم و مخفی برای انتخاب نمایندگان مجلس شهری اقدام خواهند نمود. از همین نمایندگان قریب ۵۰ درصد آنها بعداً جز کاندیداهای مجالس ایالتی و مجلس ملی قدرت خلق که در اوایل سال ۱۹۹۸ برگزار می‌شوند خواهند بود و نصف توسط کمیسیون‌هایی کاندیداتوری پیشنهاد خواهند شد.

این کمیسیون‌ها که بخش ویژه دیگری از مستقیم انتخابات کوبا را تشکیل می‌دهند مسؤول هستند تا لیست کاندیداهایی برای مجالس ایالتی و ملی را ارائه دهند. این کمیسیون‌ها در هدایت اعضا اتحادیه‌های کارگری هستند و از زنان، روستاییان، شاگردان دبیرستانی، دانشجویان و اعضا کمیته دفاع از انقلاب (CDRS) که تشکیلاتی است همه خلقی تشکیل شده است.

این کمیسیون‌ها پس از کسب نظرات ارائه شده در محیط‌های کار و مدارس و هر جا که اجتماعی وجود دارد لیستی از کاندیدها تهیه می‌کنند. برای در کار شدگی که برای تهیه این لیست انجام می‌شود لازم است گفته شود که در انتخابات قبلی (سال ۱۹۹۳) بیش از ۱/۵ میلیون نفر نظر مشورتی خود را ارائه داده بودند. پس از انجام انتخابات گسترده از میان هزاران نفری که توسط مردم پیشنهاد شده‌اند کمیسیون‌ها لیست نهایی را تهیه و به مجالس شهری قدرت خلق که اجازه قبول و یا رد آزادانه دارد ارائه می‌دهند. مجالس شهری قدرت خلقی که مستقیماً توسط مردم انتخاب شده‌اند نمایندگان ملی و یا ایالتی را انتخاب نمی‌کنند. بلکه این یکی دیگر از حقوق مسلم خلق است که به آزادی، مستقیماً و بصورت مخفی از آن استفاده می‌نمایند.

یکی دیگر از وجوه ویژه انتخابات کوبا این واقعیت است که چون مردم خود نمایندگان مجالس ملی را پیشنهاد می‌نمایند از آن‌ها سخت‌گیری عهده‌ترین بخش‌های جامعه نظر دانش‌آموزان،

کارگران، روستاییان، دانشمندان، پزشکان، پرستاران، ورزشکاران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، روشنفکران، نظامیان، و نیز چهره‌های شناخته شده سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشند.

به عبارت دیگر یک نماینده ضرورت ندارد چهره شناخته شده ملی باشد بلکه یک انسان ساده شریف بودن نظیر دموکراسی خلقی کوبا که منافع مشترک بین حکومت، و خلق را نشان می‌دهد کافی است. در کوبا هیچ مبارزه انتخاباتی وجود ندارد کاندیدها طی لیستی در محیط‌های کاری و یا مجامع عمومی معرفی می‌گردند تا توده‌ها بتوانند بهتر آنها را بشناسند.

یکی دیگر از چهره‌های سیستم انتخابات کوبا باریبر هم‌دربار قانون و بی‌قانونی است حتی اگر خاطی جز متخبین مردم باشد. علاوه بر آن اعضا مجالس شهری، ایالتی و ملی هیچ‌گونه حقوقی دریافت نمی‌نمایند مگر کارکنان دائمی که آنها نیز ملزم هستند در هر دوره صورت کامل هزینه‌ها را گزارش نمایند.

در کشور انقلابی کوبا تاکنون حتی یک مورد تقلب در انتخابات گزارش نگردیده است و هیچ‌گونه خرید آرا و یا دزدی صندوق‌های رأی‌گیری که توسط دانش‌آموزان و نه مأمورین نظامی محافظت می‌گردد اتفاق نیفتاده است. شمارش آرا در حضور تمامی کسانی که علاقه‌مند به نظارت باشند انجام می‌گیرد، حتی بوسیله خبرنگاران خارجی که معمولاً در این مورد گزارش‌هایی تهیه می‌نمایند.

سال آینده، زمانی که مجمع ملی نیروی خلق مستقر شد، نمایندگان که در آن حاضر می‌گردند، بصورت مخفی از میان خود هم رئیس مجمع و هم رئیس و نایب رئیس و اعضاء شورای حکومتی را انتخاب خواهند نمود.

گرچه سیستم انتخابات کوبا پیچیده به نظر می‌رسد لیکن تاکنون بهترین انتخاب دموکراتیک و مناسبی بوده‌است که توسط خلق و نه حکومت ایجاد شده‌است. این‌ها انتخاباتی توده‌ای و نه مبارزاتی توده‌ایست و لذا نیازی به اصراف منابع فراوان مالی نیست. تصمیمات پرمبانی تاوان و خصایص کاندیداها اخذ می‌گردد و نه چون دیگر کشورها بر مبنای میزان پول صرف شده در مبارزات سیاسی. و نیز رأی دهندگان با وعده‌های قبل از انتخابات گول زده نمی‌شوند، زیرا آن‌گونه که همگان می‌دانند در کوبا استعمار، تبعیض نژادی و جنشی و یا بیسوادی وجود ندارد این سرزمین به کسانی تعلق دارد که در آن کار می‌کنند و در آن سکونت دارند و از تمام مواهب تأمین بهداشت و تحصیل و فرهنگ و ورزش برخوردارند.

از سال ۱۹۷۶ که اولین انتخابت در شرایط انقلابی برگزار گردید تا امروز بیش از یکصد هزار کوبایی برای تصدی پست‌هایی در سطوح مختلف دولتی و توسط توده‌ها انتخاب گردیده‌اند.

حزبی مردمی، مردم‌مدار و برای مردم

گراونا - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۷
سال ۲۲ - شماره ۴۱
ترجمه: پگاه

شکل‌گیری حزب پیشنهاد ما در دل حزب انقلابی که توسط «خوزه مارتی» پایه‌گذاری شده بود و تأثیری که در گسترش عقایدی سوسیالیستی در اوایل قرن حاضر در کوبا داشت بالاخص با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تشکیل اولین حزب مارکسیست انبثت کوبا توسط «بالینو» و «املا» در سال ۱۹۲۵ که تا سال ۱۹۶۱ نیز مقال بود، سرنوشت تاریخی خاص خود را داشته است. در تاریخ جمهوریت کوبا حوادثی چند اتفاق افتاده است که بر وجدان انقلابی توده‌ها تأثیر نهاده و موجب رشد آن گردیده است. یکی از عمده‌ترین این حوادث حرکت سیاسی توده‌ها در سال‌های ۱۹۵۰ با هدایت (حزب ارتدکس) بود. در همان زمان‌ها ۱۹۵۳ به «پادگان مونکارا» که دومین پایگاه بزرگ کشور بود نیز انجام گرفت، جنگ‌هایی بخش میهنی که از «سیرا ماسیترا» آغاز شد و فعالیت روز افزون ارتش شورشی و نیز «جنبش ۲۶ جولای» که بدست مردی هدایت می‌شد که اینک رییس جمهور ماست، همه و همه این حوادث شرایط را برای پیروزی انقلاب اول ژانویه ۱۹۵۹ آماده نمود.

لیکن با پیروزی انقلاب بود که ارتقا و تسریع و رادیکالیزه شدن آگاهی انقلابی به سیر واقعی افتاده و زمانی که توده‌ها دیدند آرزوهای آنها صورت واقع گرفته است و مستقیماً خود در اجرای وظایف حاد انقلاب شرکت نمودند نیروی انقلاب تحکیم یافت.

زمانی که خلق به پیروزی رسید نیروهای انقلابی در جامعه دارای هیچگونه تشکیلاتی نبودند اما در سیر مبارزات ایدئولوژی یکی نقش فزاینده و هدایتگر «جنبش بیست و ششم جولای» و دسته «ارتش شورشی» «حزب سوسیالیست خلقی» و «کمیته انقلابیون سیزدهم مارس» مشخص تر شد. هر یک از این سازمان‌ها رهبریت، تاکتیک و محدوده فعالیت خود را داشتند لیکن در جنگ‌هایی بخش در ارتباط تنگاتنگ باهم بوده و با هماهنگ نمودن فعالیت‌های خود توانسته بودند دیکتاتوری را سرنگون سازند. اینک در شرایط نوین و با پیروزی انقلاب ارتباط و تشریک مساعی و همفکری آنها بیشتر و بیشتر شده بود. در مدت چند ماه تشکیلات دولتی بورژوازی شکست خورده متلاشی شده، بخشی از ثروت‌های بفارت رفته مصادره شد و عمده‌ترین اقدامات اقتصادی و اجتماعی خلقی در مسیر

اجرا قرار گرفت.

از مهم‌ترین این اقدامات اصلاحات شهری، فرمان اصلاحات اراضی که عمده‌ترین تغییری بود که در زیربنای انقلاب را به نمایش گذاشت، ملی نمودن کمپانی‌هایی عمده و بانک‌های آمریکایی و دیگر کمپانی‌ها و بانک‌هایی که در پایتخت کوبا مستقر بود. بدنبال اعلام تحریم کوبا توسط آمریکا دیگر مالکیت‌های آمریکایی ملی اعلام شدند.

تصمیمات فوق و برقراری دستگاه جدید و نوپای دولتی با ماهیتی دموکراتیک در راستای منافع خلق و نیز ایجاد سازمان‌های توده‌ای مقتدر و کارآمد همه از پیروزی قطعی انقلاب حکایت می‌نمودند. در اکتبر ۱۹۶۰ برنامه «مونکارا» با موفقیت با تمام رسید. بنا به اظهارات «فیدل» این برنامه کشاورزی ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب با توجه به شرایط کشور ما پیش رفته مرحله سوسیالیستی قلمداد می‌شد.

بنابراین در «شانزدهم آوریل ۱۹۶۱» در مراسم تشیع جنازه رزمندگانی که ناجوانمردانه در یک حمله هوایی به قتل رسیده بودند «فیدل» ماهیت سوسیالیستی انقلاب را اعلام داشت و مردم آگاهانه از آغاز این دوره تاریخی استقبال نمودند.

«اتحاد نیروهای انقلابی»

در پروسه انقلاب شرایط لازم برای اتحاد و نزدیکی نیروهای پیشرو فراهم آمده بود. چند هفته پس از پیروزی قهرمانانه در «خلیج خوک‌ها» در ۲۴ ژوئن ۱۹۶۱، پلندم فوق‌العاده کمیته ملی «حزب سوسیالیست خلقی» با شرکت بالاترین مقام‌های «جنبشی بیست و ششم جولای» و «کمیته انقلابی سیزدهم مارس» برگزار گردید. در آن جلسه تاریخی تصمیمات یکپارچه برای پیوستن دادن نام این رو سازمان و ایجاد یک حزب واحد برای پیشبرد اهداف سخت و دشوار مرحله گذار و بنای سوسیالیسم اتخاذ گردید. «فیدل» به عنوان بالاترین مقام سوسیالیست و کارگری اعلام گردید. در تأیید تصمیمات اتخاذ شده «حزب سوسیالیست خلقی» و بدنبال آن جنبش بیست و ششم جولای و کمیته انقلابی سیزدهم مارس انحلال خود را اعلام نمودند تا راه برای ایجاد تشکیلاتی واحد و منسجم گشوده گردد.

با اتحاد سه نیروی مذکور ائتلاف سازمان‌های انقلابی «آر-آی» تشکیل و محملی برای ایجاد حزب آینده گردید و بلافاصله اقدام برای ایجاد تشکل‌های زیربنایی منطقه‌ای آغاز گردید.

در ۸ مارس ۱۹۶۲ رهبریت ملی «آ» - آر - آی» قانونی اعلام گردید که انعکاسی بود از نزدیکی سازمان‌های انقلابی رهبران آنها بهم. در ۲۲ مارس تشکیلات فوق فیدل و راثول را به عنوان دبیر دوم انتخاب و دبیرخانه و کمیسیون تشکیلات را نیز ایجاد نمود.

علاوه بر آن «باس روکاه» نیز مقبدان سر دبیر روزنامه «hooy» انتخاب گردید. در آن پس وجود تشکیلاتی واحد و رهبریتی متحد قدرت خارق‌العاده انقلاب را به نمایش گذارد.

فیدل در نطق خود در ۱۳ مارس برای نخستین بار نسبت به وجود رگه‌های سکتاریستی در سطوح میانی و پایین

«آ» - آر - آی» هشدار دارد. خوشبختانه «سکتاریسم» در اصول و عملکرد سازمان بموقع متوقف گردید، در ۲۶ مارس سال ۱۹۶۲ فیدل طی سخنرانی دیگری عملکرد «آ» - آر - آی» را بخاطر فعالیت جدا از توده‌ها بسختی مورد انتقاد قرار داد. در واقع شیوه کار آنها نوعی فعالیت زیرزمینی بود که فاقد کارایی سیاسی و انگیزه واحد طبقاتی بود.

کادرهای جدید و رزمندگان انقلاب مورد بی‌توجهی و عدم اعتماد واقع می‌شدند و موانع بسیار در مقابل پذیرش آنها نهاده می‌شد. در عوض اعضای سابق حزب سوسیالیست خلقی در مرکز توجه و بذل عنایات قرار می‌گرفتند. مضاف بر موارد فوق «آ» - آر - آی» به قدرت قانونی دست یافته بود که با استفاده از آن قادر می‌گردید رهبران کشور را در هر سطح و مقام عزل نماید.

از آن زمان به بعد سازماندهی مجدد «آ» - آر - آی» از پایه‌ای‌ترین حوزه‌ها و ایجاد تشکیلاتی زیربنایی که در آن اساس کار مشورت و هماهنگی با توده‌ها باشد آغاز گردید. فیدل به عنوان تدوین‌کننده طرح حزبی توانا و قابل اعتماد پای پیش نهاد و با بهره‌گیری سازنده از نظریات «مارتی» و «النین» در ویژگی‌های انقلابی پیروزمند موفق به انجام کار گردید.

اصول و قوانین بنیادی حزب بر ضرورت حاکمیت «سیلیچی» اصول‌گرایی، انتخاب، مشورت با توده‌ها، دموکراسی درونی حزب و رهبریت جمعی تاکید تمام دارد. تمامی این نظریات و اصول در سخنرانی اول دسامبر سال ۱۹۶۱ فیدل در «دانشگاه ملت» به تفصیل بیان گردید.

در ارتباط با نظریات سیاسی بیان شده در زمینه روابط حزب و توده‌ها که از آن زمان تاکنون رهنمون عمل ما بوده است: فیدل در ۱۱ آوریل ۱۹۶۲ در جلسه کمیته ایالتی در «ماناتازسن» اظهار داشت:

انقلاب بدست توده‌ها و برای توده‌ها پیروز شد و همین اساس وجود حزب است و اعتبار و قدرت واقعی حزب در ارتباط نزدیک با توده‌ها خواهد بود، حزب قدرت خود را از

توده‌ها خواهد گرفت لیکن مانند یک حزب نیز دارای قدرت در برابر مردم خواهد بود.

اگر فاقد ارتباط و قدرت باشد حزب نیست و به تشکیلاتی ضعیف و منجمد و نه یک حزب قدرتمند و درکنار توده‌ها بدل خواهد شد. ما می‌باید شرایط لازم و ضروری برای عضویت در هسته‌های حزبی را دارا بوده و کارگران نمونه‌ای باشیم. هدف ما توده‌های کارگری، خواهد بود و صفوف خود را از بهترین کارگران نمونه‌ترین کارگران، خستگی ناپذیر و توقف ناپذیر که سوابق درخشان داشته باشند انباشته خواهیم کرد، و اگر این اصول پیاده شود تخم فساد از میان ما رخت برخواهد بست.

در ماه مه سال ۱۹۶۳ به دنبال تغییرات کیفی ایجاد شده نام «آ» - آر - آی» به «حزب متحد انقلاب سوسیالیستی» تغییر یافت این کار تنها یک تغییر نام ساده نبود بلکه سمت‌دهی سیاسی پیش‌تازان حزب به رعایت اصول سانتالیسم (دموکراتیک) انتخاب دقیق کارگران نمونه و نظارت بر اجرای موشکافانه شرایط عضوگیری بود. بر پایه این اصول، تمامی کسانی که با رژیم سابق همکاری نموده بودند و یا در انتخابات سال ۱۹۵۸ با وجود تحریمی از جانب نیروهای انقلابی اعلام شده بود شرکت نموده بودند از حزب اخراج شدند.

از آن زمان به بعد تداوم در رشد و ارتقا سیاسی در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و دیگر مراکز کارگری چشم‌گیر گردیدند این اقدامات با انتخاب کمیسیون‌های اجرایی از میانکادرهای ورزیده و دارای کیفیت بالای سیاسی به بخش‌های دیگر جامعه بسط داده شد. در همین راستا، پروسه شکل‌دهی و پایه ریزی سازمان‌های حزبی با برقراری گردهم آیین‌های متعدد برای انتخاب کارگران شاخص آغاز شد. کار با مصاحبه با منتخبی، انتقاد و انتقاد از خود و معرفی کارگران نمونه‌ای که برای عضویت حزبی برگزیده شده بودند دنبال گردید و بالاخره نشست‌های نهایی برای تشکیل حوزه‌ها انجام گردید. در تمام مراحل اصل بر داوطلبانه بودن عضویت نهاده شده بود.

آزمون‌های فوق در سراسر کشور بکار گرفته شدند. در کوهستان‌های شرق پس از بررسی‌های سیاسی - اجتماعی، کار با ایجاد شرکت‌های کوهستانی که در امور سیاسی و نظامی نیز فعالیت داشته دنبال گردید. تجربه مذکور به‌همراه تجربیات کسب شده از بخش‌های دیگر کشور مبنایی برای بنای نیروهای مسلح انقلابی که در دوم دسامبر ۱۹۶۳ بنام ارتش شرق نامیدند واقع گردید. روز مهم فوق، بدون لطمه زدن به اصول رهبریت متمرکز، وجهه رهبران را افزایش داد. ظرفیت رزقی سربازان را بالا برد و موجب رشد فراوان علمی و ارتقا وجدان سیاسی کادرها گردید.

در پایان نشست‌ها فیدل راهکارهای تعیین شده توسط رهبران ملی را گزارش نمود. تصمیمات مذکور در دوم اکتبر در اولین جلسه کمیته مرکزی حزب که در طی آن پولیت‌بورو هیأت دبیران و کمیسیون‌های اجرایی انتخاب شدند مورد تأیید مجدد قرار گرفت. روزنامه‌های «HOY» و «Revolucion» با پیوستن بهم ارکان حزب یعنی «گرانما» را بوجود آوردند و کمیته مرکزی نیز صلاح دید مه نام حزب را به حزب کمونیست کوبا تغییر دهد که در واقع نشان‌دهنده مرحله جدید انقلاب و تمایلات درونی مردم بود. در سوم اکتبر تصمیمات فوق به اطلاع ملت رسانده شد.

با برداشتن گام‌های مذکور شکل‌گیری حزب که از آوریل ۱۹۶۱ آغاز شده بود عملاً به پایان رسید. این پروسه در بخش‌های دیگر جامعه ادامه یافت و کارایی اصول یاد شده و راهکارهای انتخابی تا همین لحظه عملی بودن خود را با ثبات رسانده است.

حزب سال‌های سال در راه کسب تجربه و یافتن شیوه‌های نوین کارآمدی در لحظات غامض و دشوار جدال‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کنار مردم برای یافتن طرق رشد دادن آگاهی و وجدان انقلابی توده‌ها فرهنگ آنها، دانش عمومی و سیاسی آنها داوطلب بودن آنها در دفاع از انقلاب گام برداشته

حزب با عملکرد دقیق و هوشیارانه خود از اقدامات جاه‌طلبانه و اپورتونیستی افشاگرایی سال‌های ۶۸ - ۶۷ پیروزمندانه بیرون آمد، در سال‌های ۷۰ امور سازماندهی و قانون‌نگاری را توسعه بخشید و تا سال ۱۹۷۳ ایجاد تشکیلات نظارت مرکزی را به عنوان چهارچوب بقا و توسعه پایه‌ریزی نمود.

بدینگونه حزب شیوه‌ای دموکراتیک و در اتحاد و یکدلی شکل گرفت و در مسیری تازه و بی‌نظیر گام نهاد و وقتی در سال ۱۹۶۵ مرحله جدیدی سازماندهی خود را تکمیل نمود ۴۵۰۰۰ نفر عضو و ۵۰۰۰ نفر داوطلب عضویت داشت. کنگره اول حزب نمایشی بود از رشد و ارتقا باورها و آگاهی سیاسی و اجتماعی توده‌ها و ذخایر پایان ناپذیر عشق به آینده و پیشرفت. این کنگره با افتخار اعلام داشت که اعضا حزب به ۲۱۰۰۰۰ نفر بالغ گشته است.

در مسیر وحدت بخشیدن و ارتقا کمی و کیفی، حزب این افتخار را داشته است که از راهنمایی‌ها، آموزش‌ها الگر بودن دقیق «فیدل» و «رائول» استفاده نموده و در ساخت و رهبریت حزب از وجود آنها سود برد.

حزب از درون خلق سر برآورده، پیوسته از وجود آنها نیرو کسب نموده، زنده بودن خود را مدیون آنهاست و برای آنها نیز زنده است.

